



در مراسم تجلیل از دو استاد فلسفه مطرح شد انسان بدون اندیشه و عقل انسان نیست

غلامرضا اعوانی در تجلیل از مقام علم و فرهنگ ایرانی گفت: انسان حیوان فرهنگی است و فرهنگ خیلی مهم است و فرهنگ‌های مختلفی مانند مسیحی و ایرانی و چینی و ...

غلامرضا اعوانی در تجلیل از مقام علم و فرهنگ ایرانی گفت: انسان حیوان فرهنگی است و فرهنگ خیلی مهم است و فرهنگ‌های مختلفی مانند مسیحی و ایرانی و چینی و ... داریم ولی هیچ فرهنگی به اندازه فرهنگ ایرانی به معنای عام و نه جغرافیایی در جهان اثرگذار نبوده است.

انسان بدون اندیشه و عقل انسان نیست به گزارش اینکنا، مراسم رونمایی از دو کتاب اندیشه‌های فلسفی ابن سینا و حکمت صدرایی در جهان اسلام؛ یادگارنامه استاد غلامحسین ابراهیمی دینانی و آیت الله سید مصطفی محقق داماد با حضور جمعی از شخصیت‌های فلسفی و سیاسی چهارشنبه ۴ مهر در خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار شد.

در ابتدای این مراسم پیام آیت الله جعفر سبحانی قرائت شد که در بخشی از این پیام آمده است: امتیاز انسان با خرد و خردورزی است و اگر این موهبت الهی از او گرفته شود با دیگر جانداران تفاوتی نخواهد داشت لذا در قرآن ماده عقل و مرادفات آن کرارا وارد شده است و بر تفکر و اندیشه در مجموعه هستی دعوت مضاعف وارد شده است لذا هستی‌شناسی اندیشه‌های انسان‌ها و الا را از ازمه دیرین به خود جذب کرده است. محرک این مسئله آیات قرآنی در مواضع مختلف خطبه‌های امیر بیان به خصوص خطبه نخست و روایات ائمه (ع) در توحید و اصول کافی است.

ایشان در بخش دیگری از این پیام با بیان اینکه در قرن چهارم گروهی به نام اخوان الصفا رسائلی در علوم فلسفی تالیف نموده و موجی را پدید آوردند هر چند برخی اندیشه آنان مورد تأیید نیست، تأکید کرده است: در اوائل قرن پنجم شیخ الرئیس پرچمدار علوم عقلی بود و با تالیف کتاب شفا و ... توانست به مسائل عقلی و فلسفی روح تازه ببخشد. در قرن هفتم خواجه نصیر به سنگ اندازی‌های فخررازی پاسخ گفت و شرح اشارات را پدید آورد و در قرن هشتم، محقق حلی مسیر استاد را پیمود. پس از او شاگرد وی قطب الدین رازی در این میدان درخشید؛ سیر علوم عقلی ادامه داشت تا اینکه دولت صفویه حاکم و مجال بیشتری برای علوم عقلی هموار شد.

چند سال نگذشت که عالمان بزرگی مانند ملاصدرا به علوم عقلی روح جدیدی بخشیدند و سالیان زیادی به خصوص کتاب اسفار مورد بحث بود. ملاعلی زنوزی و فرزند وی آقا علی مدرس فلسفه را امتداد بخشیدند ملاعلی توانست معاد جسمانی را با اصول فلسفی ثابت کند و این خاندان بنیانگذار حوزه فلسفی تهران شدند.

آیت الله سبحانی با بیان اینکه در دوره معاصر هم فلاسفه ای چون آیت الله بروجردی، مرحوم امام و علامه طباطبایی این مسیر را ادامه دادند، اضافه کرد: آیت الله بروجردی به خوبی به فلسفه مسلط بود؛ امام، الهیات را چشیده بود و سالیان زیادی کرسی تدریس معقول به اضافه عرفان در اختیار او بود و مصباح الهدایه اثری ممتاز در قلمرو عرفانی او هست و علامه طباطبایی فیلسوف زمان بود که ۷۵ مسئله را در یکی از آثارش به شیوه خاصی که در آثار پیشینیان وجود ندارد بیان کرد. او همچنین بسیاری از مسائل فلسفی و اصولی را متحول کرد.

تمجید سیدحسین نصر از دکتر دینانی

در ادامه سیدحسین نصر در پیامی تصویری بیان کرد: بنده از دوران قدیم با دکتر دینانی آشنا شدم و در جلساتی که وجود داشت مرحوم علامه طباطبایی هم از قم به تهران تشریف می آوردند و در مورد عرفان و فلسفه بحث می کردیم. کربن هم در این جلسات حضور داشت و بنده هم با دکتر دینانی برای اولین بار در این جلسات آشنا شدم.

آقای دینانی آثار مهمی در فلسفه، حکمت و علوم دینی از جمله کلام شیعه و سنی دارند که میراث علوم عقلی در مشرق زمین و برخی کتب درسی است و امیدوارم در مغرب زمین بیشتر با آثار ایشان آشنا شوند. این مراسم بزرگداشتی که برای ایشان در ایران برپا شده است قدمی برای معرفی بیشتر این فیلسوف است و امیدوارم آثار ایشان به صورت کامل و خلاصه به جوانان اروپایی و مردمی که با فارسی آشنا نیستند از طریق ترجمه با ایشان آشنا شوند.

در ادامه غلامحسین ابراهیمی دینانی؛ استاد پیشکسوت فلسفه اسلامی در سخنانی با بیان اینکه فرهنگ یک کلمه فارسی است که فقط در انسان وجود دارد و هیچ موجود دیگری آن را ندارد و اگر انسان را به جای حیوان ناطق فرهنگ دار و فرهنگ مدار تعریف کنیم سخنی بیجایی نیست.

مطالبی را سیدحسین نصر در مورد علامه طباطبایی و جلسات شبانه ایشان فرمودند؛ ایشان در تبریز متولد شد، در نجف درس خواند و در قم ساکن شده بود که هر سه شهر سنتی است ولی آنقدر تعالی فکری داشت که من نمی توانم درباره ایشان سخن بگویم.

هانری کربن هم فردی بود که به همه شهرهای مدرن دنیا سفر کرده و اندیشمندی در دنیا نبود که کربن با او سخن نگفته بود. او به چند زبان آشنا و شاگرد هایدگر بود؛ وقتی به قم آمد و با علامه طباطبایی آشنا شد علامه افکار عالی خود را در این جلسات بازگو کرد؛ نظرات ایشان در آثار مکتوب و حتی تفسیر، خیلی محتاط است و بدایه و نهایه او هم محتاط بود زیرا خیلی ایشان را آزار دادند و حتی نزد آیت الله بروجردی گلایه کردند که او فلسفه درس می دهد و طلاب را بی دین می کند.

کربن در برابر علامه طباطبایی مانند بچه می نشست و استفاده می کرد؛ او یک فرنگی تمام عیار بود و روزی به او گفتم من سؤال دارم و می دانم شما با عرفان آشنا هستی، ذکر جلی شما چیست؟ من با ذکر مخفی شما کاری ندارم؛ او گفت ذکر جلی من قال الباق و قال الصادق (ع) است. او مردی بسیار روشن بود و تأثیر زیادی هم در غرب گذاشت. اگر علامه طباطبایی در قم نبود از بزرگان فلسفه خبری نبود زیرا از قدیم برخی فقها رابطه خوبی با فلسفه نداشتند؛ در نجف که مطلقاً درس فلسفه وجود نداشت.

من در اوایل جوانی روی ملاصدرا تعصب داشتم ولی وقتی آثار ابن سینا را خواندم و سنم بالاتر رفت دیدم ابن سینا مردی عجیب و غریب و استثنایی است. او طبیب بود و روزها طبابت داشت و شب ها بیشتر به شاگردان تدریس می کرد. او نام کتاب فلسفه خود را شفا و کتاب طب را قانون گذاشته است زیرا شفا را در شفای روح می داند زیرا انسان با روح و اندیشه، انسان است و انسان بدون اندیشه از حیوان هم پایین تر است و به تعبیر قرآن از حمار هم پایین تر هستند و هر قدر اندیشه متعالی تر انسان هم متعالی تر است.

ملاصدرا حکیمی شیعه و ایرانی

در ادامه آیت الله سیدمصطفی محقق داماد؛ استاد دانشگاه شهید بهشتی در سخنانی گفت: اگر از مردم بپرسید که ملاصدرا کیست خواهند گفت خیابانی در تهران است و نانویی و سوپر گوشت ملاصدرا و ...؛ اما چرا ملاصدرا؟ خصوصیت ملاصدرا این است که فلسفه ابن سینا را کنار حکمت خسروانی ایرانی گذاشت؛ شیخ اشراق صاحب حکمت خسروانی است و فلسفه ملاصدرا را کنار حکمت ایرانی و هر دو را کنار قرآن گذاشت و از درون قرآن آنچه را حکما گفته اند منطبق ساختند و به سماع عقل و دل برد و همه را منطبق برشهود کرد که کار کم و اندکی نیست.

ملاصدرا هم ایرانی و هم مسلمان شیعی است و این مهم است که حکیمی از درون ایران زمین بیرون بیاید و این همه ابداعات داشته باشد. من باید سخنی هم درباره دکتر دینانی بگویم؛ خداوند نعمت بزرگی به ایشان در کنار هوش سرشار داده است و آن داشتن استادان بزرگی مانند علامه طباطبایی در دوره جوانی است و اینکه با مرحوم کربن آشنا شده بود و این سبب شد تا آثار بزرگی را تقدیم کنند.

تأثیر فرهنگ ایرانی در جهان

در ادامه غلامرضا اعوانی از استادان پیشکسوت فلسفه گفت: انسان حیوان فرهنگی است و فرهنگ خیلی مهم است و فرهنگ های مختلفی مانند مسیحی و ایرانی و چینی و ... داریم ولی هیچ فرهنگی به اندازه فرهنگ ایرانی به معنای عام و نه جغرافیایی در جهان اثرگذار نبوده است.

از خصوصیات فرهنگ ایرانی قبل و بعد از اسلام، داشتن حکمت است و یونانیان که حکمت را از غرب می دانند باز ایران را ستوده اند و در برخی منابع، ایران را مهد پیدایش حکمت می دانند و زرتشت را بزرگترین حکیم می دانند؛ افلوپین از بزرگان فلسفه قصد داشت برای آموختن حکمت به ایران بیاید ولی چون مال و منال نداشت در سپاه امپراتور ثبت نام کرد تا به ایران بیاید ولی چون این امپراتور شکست خورد او به ایران نرسید و به جای دیگری رفت.

در مورد آقای دینانی هم بگویم ایشان حقی بر گردن بنده دارند زیرا وقتی من رئیس انجمن فلسفه ایران بودم خدمات زیادی داشتند و بنده افتخار داشتم از مشورت این دو بزرگوار (آقای محقق و آقای دینانی) بهره مند بودم. علم نمی تواند فقط دولتی باشد و باید مردمی هم باشد و نشاط علم در گذشته هم به مردمی بودن آن بود لذا دولت باید به نهادهای حامی فرهنگ کمک کند.

باید شاگردان زیاد و خوبی تربیت کنیم زیرا شاگرد، علم زنده است؛ تربیت دانشجو کاشتن بذر است که بعد از یکسال و چندسال حاصل می دهد و استاد دینانی شاگردان خوبی تربیت کردند.

در ادامه احمدرضا خضری، مشاور وزیر علوم در سخنانی گفت: به عنوان کسی که حدود ۴۲ سال دانش آموخته تاریخ و تمدن ایرانی و اسلامی هستم درس پس می دهم زیرا تجلیل از اندیشمندان تجلیل از شعور و دانایی یک جامعه و چراغ راه آیندگان است؛ تجلیل از عالمان و اندیشمندان موجب رشد دانایی و فرازمندی جوانان و آیندگان است و به تعبیر مولوی قدردانی و قدرشناسی از خود است. مادح خورشید مداح خود است.

وی افزود: دکتر دینانی و دکتر محقق داماد از مدح من و امثال من بی نیاز هستند و تمجید و تجلیل ما نشانه آن است که ما خود را می ستاییم و نشانه آنکه چشمان ما خوب می بیند و فهم و شعور ما از جامعه درست است و آفرین بر خودمان می گوئیم. افتخار من این است که اکنون سومین بار است که در مورد آقای دکتر دینانی سخن می گوئیم.

خضری افزود: من همه جا با بانگ بلند گفته ام که افتخار شاگردی ایشان را در سال های دهه ۷۰ داشته ام و در محضر او درس فلسفه خواندم و فلسفه را به زبانی می گفتند که گویی فلسفه به آن دشواری را آنقدر روان می گفتند که گویی دانه ریختن نزد مرغان است.